

اولین مواجهه با اعضای مصنوعی

کلاه‌گیس انگلیسی



پیشرفت‌های علمی لندن هم از دید مسافران آن دوره جالب است. چیزی مثل عضو مصنوعی بدن که این روزها خیلی رایج و معمول است در آن دوره اسباب حیرت و شگفتی می‌شده است. «مردان که موی سر ندارند موی سر عملی که موی مرده باشد بر سر خود می‌مالند که معلوم نمی‌شود در پیری که مو کنده است یا گل مالیده، همچنین در ساختن دندان عملی که اکثر مرد و زن دندان عملی دارند و دکانی نیز به‌خصوص معین نموده‌اند که در آنجا دندان بسازند و هرگاه کسی دست و پا نداشته باشد نیز عملی می‌توانند ساخت.

شنیدم شخصی یک دست و یک پا و دندان عملی داشت از اتفاق نوکر تازه‌ای گرفته بود، در وقت خواب شخص مذکور نوکر حاضر بود دید که صاحب او ابتدا

یک پای خود را برداشته بر طبل گذاشت، بعد از آن یک دست خود را و همچنین دندان‌ها را و دست بر سر برد که موی عملی را بردارد نوکر مذکور یقین کرد که سر خود برمی‌دارد و این شیطان است و از خانه آن شخص بیرون رفت.»



توصیفی از شرکت پست لندن نظم انگلیسی و بی‌نظمی قاجاری



نظم و انضباطی که در سیستم آنجا حاکم بوده در مقایسه با وضعیت سردرگمی که مملکت در دوره قاجار داشته در اغلب سفرنامه‌های این کتاب ذکر شده. هر کدام از مسافران به بخشی از این ماجرا اشاره کرده‌اند یکی درباره وضعیت ساخت خانه‌ها نوشته یکی درباره تمیز بودن شهر و حاجی پیرزاده هم درباره سیستم پستی آن موقع توضیحات مفصلي نوشته که در ادامه بخشی از آن را می‌خوانید. «باری، تفصیل پست‌خانه لندن در هیچ یک از ممالک دیگر نیست. خیلی مشکل است که یک پاکتی من در پست‌خانه لندن به طهران نوشته و در میان ۲۰ کورر کاغذ انداختم بعد از آن او را پیدا نموده و مخصوصا به طهران بفرستند و جواب بیاورند. چنان مهارت و مواظبت دارند که ایدا

کاغذی از نظر آنها محو نمی‌شود. باری پست‌خانه پاریس نیز چنین است خیلی منظم و به قاعده است و در لندن کاغذهای مردم را که می‌آورند به صاحبانش برسانند درب خانه هرکسی به پشت در یک‌جعبه نصب است و سوراخی به نازکی پاکت از بیرون در دارد، فراش پست‌خانه پاکت را آورده، در آن سوراخ می‌اندازد و می‌رود و قاپی‌چی به صاحبش می‌رساند.»



حیرت مسافران قاجاری از موزه مومی لندن

شرکت در جنگ ترانسوال

دیدنی‌های لندن یکی از بخش‌های اصلی سفرنامه‌هاست. یکی از مکان‌هایی که برای گردشگران ایرانی جذاب بوده موزه مادام توسو است.

موزه مشهوری که در قرن ۱۸ ساخته شده و در آن تندیس افراد مشهور با موم ساخته و نگهداری می‌شود. «از خواب که برخاستیم کالسکه خواستیم و رفتیم به مادام توسو. مادام توسو یک زنی است که این خانه را خریده و موزه درست کرده است و بعد واگذار به ملت کرده است به شرط این که همیشه آنجا را درست نگاه دارند و به اسم مادام توسو مسمی نمایند که اسم او بماند. خلاصه رفتیم به مادام توسو، جمعیت زیادی جمع شده بودند. از کالسکه پیاده شده، وارد شدیم و از پله‌ها بالا رفتیم. طبقه دوم، عمارت، سلاطین قدیم انگلیس را تا به حال تماما ساخته‌اند از موم. اغلب از سلاطین روی زمین و رجال معروف بزرگ دنیا را از موم ساخته‌اند به طوری که ایدا معلوم نمی‌شود آدم است یا موم مگر انسان به دقت مدتی نگاه کند و ببیند بی‌حرکت هستند، آن وقت بداند که از موم ساخته‌اند. خیلی خیلی خوب درست کرده‌اند، اسباب حیرت می‌شود.

جنگ ترانسوال و جنگ متمدنی را طوری ساخته‌اند که فی‌الواقع مثل این بود ما خودمان در آن جنگ حضور داشته‌ایم این‌طور مجسم کرده‌اند. صورت خود ما را هم ساخته بودند ولی چندان شبیه نبود. صورت شاه شهید را هم عرض کردند بوده است، خواهش کردیم مجدداً بسازند و بگذارند که در اینجا به یادگار بماند.»

